

پژاک؛ ساختار و اهداف

قیام سوم اسفند و ظهور پژاک

در روز ۲۶ بهمن ۱۳۷۷ (پانزدهم فوریه ۱۹۹۹) توطئه بین‌المللی علیه رهبر اوجالان، صورت‌گرفت و رهبری پس از به‌اسارت‌درآمدن در کشور کنیا به ترکیه تحویل داده‌شد. در این روز، خلق کرد در هر چهار بخش کردستان، خاورمیانه و سراسر جهان دست به قیام محشر آسا زد و توطئه را بشدت محکوم ساخت. قیام خلق کرد در شرق کردستان و ایران هم قریب یک هفته ادامه یافت. همان قیام که «قیام سوم اسفند» نام گرفت، آبستن فرزند تاریخ ملتمان، «حزب حیات آزاد کردستان» شد.

علی‌رغم سرکوب قیام سوم اسفند و کشتار جوانان آزادیخواه از سوی جمهوری اسلامی، جوانان و دانشجویان از زهرچشم‌گیری رژیم نهراسیدند و با پایداری در مسیر فداکاری و فدایی‌گری موجی از جوانان از همه اقشار و توده‌ها در سال ۱۹۹۹ به صفوف پ.ک.ک پیوستند. طبعاً سازماندهی‌ها و تنویر اذهان بویژه قشر دانشجو و زنان که از سوی جنبش از سال‌های ۹۴ تا ۹۷ به اوج رسید، بالاخره جوانه‌زد و با پیوستن صدها جوان، در نهاد «قرارگاه مشترک قره‌داغ»، «اتاق مدیریتی شرق (سال ۲۰۰۰)» و بعدها «جنبش اتحاد دمکراتیک» (در سال ۲۰۰۲) که جنبش پیشاپژاک بود، شکوفه داد و به ثمر نشست.



سال تاسیس و کنگره‌ها

تأسیس پژاک، پروژه استراتژیک رهبر اوجالان برای بازگرداندن و تفویض خودمدیرتی به یک سازمان راستین کردها بوده و هست. چه بسا باتوجه به تحولات سیاسی تنازع‌آمیز منطقه و علایق و نیازهای مبرم جامعه تشنه شرق کردستان و ایران، «جنبش اتحاد دمکراتیک» که وظایف مرحله را در آن سال‌ها بجا آورده بود، دیگر نمی‌توانست در آن حد و قواره سازمانی پیش‌حزبی پاسخگو باشد. به همین دلیل مقوله تأسیس یک حزب، مطرح گشت. بر اساس برنامه‌هایی که در کنفرانس خاورمیانه (سال ۲۰۰۰ آماده شده بود، در روز ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۳ با برگزاری کنفرانس شرق کردستان، تأسیس حزب حیات آزاد کردستان PJAK تصویب شد. کنفرانس به مدت شش روز ادامه یافت. وظیفه اصلی کنفرانس این بود که بنا به پروژه رهبر اوجالان، پایه‌های تأسیس یک حزب مدرن برای شرق کردستان را پی‌ریزی نماید.

پژاک از سال ۲۰۰۴ تا سال ۲۰۲۰ میلادی شش کنگره و یک کنفرانس برگزار نموده است. نخستین کنگره تأسیس در ۲۵ مارس برگزار و در ۴ آوریل رسماً اعلام موجودیت کرد؛ دومین کنگره در ۹ نوامبر ۲۰۰۵، سومین کنگره در ۲۵ فوریه ۲۰۰۸، چهارمین کنگره در ۱۲ می ۲۰۱۴، پنجمین کنگره در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۶ و ششمین کنگره در ۱۰ مارس ۲۰۲۰ برگزار گردیدند. پژاک همچنین نخستین کنفرانس خود را در سال ۲۰۱۰ برگزار نمود.

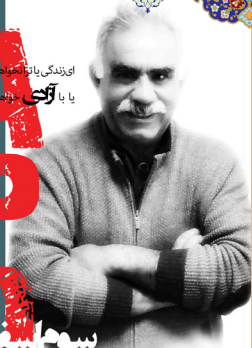




ایزدکی یا آزادی و روست
یا با کتی به هم راست

APK

سولسهند
جلوهی شکوهمند حماسه مقاومت
امروزه ادراک حقیقت سداره ای آزادی
۱۳۹۲



نام حزب: عنوان پژاک به گُردی «پارتی ژانی آزادی کوردستان» و به فارسی «حزب حیات آزاد کردستان» می باشد. واژه «پژاک» (PJAK) اختصار نام کامل آن به گُردی است.

رهبر حزب: رهبر پژاک «عبدالله اوجالان» می باشد زیرا اصول و معیارهای واجد شرایط برای رهبریت خود و خلق گُرد را در شخصیت ایشان بازیافته است. همچنین مانیفست تمدن دمکراتیک وی را مانیفست مبارزاتی خود می داند.

پوچم: نشان حزب، زمینه ای مستطیل شکل است که نیمه بالایی آن سرخ رنگ و نیمه پایینی به رنگ سبز می باشد. در زمینه سرخ رنگ آن نیم خورشیدی با ۱۵ اشعه کوتاه (به مناسبت ۱۵ فوریه) و ۱۶ اشعه بلند (به نشانه روز آغاز قیام شرق کردستان) قرار دارد. کلمه PJAK با حروف لاتین در نیمه سبز رنگ به صورت خطی مستقیم با رنگ زرد نوشته می شود.

رابطه کودار و پژاک و تفاوتها: پژاک حزبی ایدئولوژیک پیشاهنگ مبتنی بر پارادایم، ولی کودار یک سیستم یا نظام دمکراتیک وسیع تر از حزب اما متکی بر پارادایم آپویی می باشد که می تواند چندین حزب و نهاد و یا سازمان را دربرگیرد. در ۱۲ می ۲۰۱۴ پژاک به عضویت کودار درآمد. کودار، نظامی مختص برای خلق کرد و سایر خلق هاست زیرا تاکنون خلقها از داشتن چنین نظامی که مختص به خود آنها باشد، محروم بوده اند و پارادایم را در قالب پدیده دمکراسی اجرایی می کند. در نظام کودار، پژاک حزب پیشاهنگ در راستای پیشبرد سیاست دمکراتیک می باشد. مسئول گسترش و توسعه حیاتی آزاد و جامعه ای دمکراتیک است. در چارچوب اساسنامه و آیین نامه داخلی خویش به سازماندهی و پیشبرد فعالیت هایش مطابق اهداف مشروح در برنامه و اساسنامه می پردازد. همه احزاب، سازمانها و جنبش های شرق کردستان و ایران می توانند همانند پژاک در نظام کودار مشارکت جویند.



ساختار حزب: الف - کنگره: بالاترین ارگان تصمیم‌گیری است. **ب - ریاست مشترک:** متشکل از یک زن و یک مرد است. **پ - مجلس.** ت- **نهادهای حزب و شیوه سازمان‌بندی:** متشکل از شاخه زنان که در قالب «مجلس زنان پژاک» سازماندهی شده؛ و نیز شاخه جوانان با نام «جامعه جوانان شرق کردستان (ک.ج.ر)».

کمیته‌ها:

کمیته رسانه و مطبوعات: از دیدگاه پژاک رسانه صرفاً «بی‌طرف» تعریف نمی‌گردد و اکیدا ویژگی «رسانه آزاد» اولویت بیشتری دارد. بی‌طرفی صرف تعریف ناقص از رسانه است. هژمونی رسانه‌های دول ابرقدرت جهان به قصد حاکمیت بر خلق‌ها را نمی‌پذیرد و در برابر آن آلترناتیوی را ارائه می‌دهد.

کمیته دیپلماسی: سیاست، شکل ممتد مرکز شده ایدئولوژی و پارادایم است. از این روزنه، پژاک بر مبنای پارادایم ملت دمکراتیک و تابع اصول سیاست دمکراتیک توأم با مبانی اخلاقی به فعالیت می‌پردازد. هر عملکرد پراگماتیستی و منفعت‌طلبانه بی‌قید و شرط به زیان جوامع، گروه‌ها و تشکلات دیگر را عمل دیپلماتیک نمی‌داند. در روابط خارجی، ایجاد اتحاد با احزاب و سازمان‌ها را بر منفعت حزبی ترجیح می‌دهد. اصل دیپلماسی را اتحاد خلق‌ها تلقی می‌کند. در پروسه آزادی، برقراری روابط دیپلماتیک با دول و قدرت‌های جهان را در صورت عدم تباین با منافع خلق‌ها و جوامع و منجر نشدن به استثمار و استعمار رد نمی‌کند و ایدئولوژی را به مسئله مانع‌ساز مبدل نمی‌نماید.

کمیته آموزش: مقوله آموزش یکی از اصول پایه‌ای در تحزب و خودسازی انسان برای آزادی یک جامعه است. هر حزبی بدون آموزش مطابق پارادایم، ایدئولوژی و فلسفه، ناقص تلقی می‌گردد. کمیته آموزش پژاک با این نگرش و برداشت سعی در آموزش اعضا و جامعه می‌نماید.

کمیته سازماندهی: پژاک در راستای آزادی و پیشرفت جوامع انسانی مبارزه می‌کند ولی پروسه آن را از خلق‌کرد آغاز کرده، لذا خلق‌کرد در شرق کردستان را متشکل از کرمانج، سوران، هورامی، کلهر و لر می‌داند. شیوه‌های سازماندهی مستقیماً برخاسته از ساختار حزب غیردولت‌گرایانه است و سازماندهی تمامی اقشار و توده‌ها و طبقات خلق با ایدئولوژی‌ها و اعتقادات متفاوت را در برمی‌گیرد. معیار سازماندهی در پژاک، میزان مشارکت خلق است. نیروی گریلا و خلق دو ستون سازماندهی برای وقوع قیام و انقلاب هستند. شیوه‌های کلاسیک سازماندهی در سطح جهان دیگر پاسگو نیستند.

کمیته انضباطی: هر حزب و جامعه‌ای به انضباط و نظم مبتنی بر عدالت اجتماعی غیردولتی نیاز دارد. ساختار و رویه آن نیز خارج از نرم‌های

حقوق متعارف در پدیده دولت‌گرایی است. حقوق و قانون پاسخ‌گوی نیازهای انسان برای تحقق انضباط و عدالت معطوف به آزادی مطلوب، نیست.

اهداف: هدف بنیادین پژاک، پیروی از سیاست دمکراتیک در چارچوب سیستم کنفدرالیسم دمکراتیک و خودمدیریتی دمکراتیک برای سازماندهی خلق به منظور بر ساختن «ملت دمکراتیک» است. بنابراین همه امکانات، مفاهیم و راهکارها را در خدمت هدف بزرگ یعنی «ملت دمکراتیک» قرار می‌دهد. در این راستا از مسیر حل مسئله‌گرد و مبارزه برای آن، به همان هدف می‌رسد. دفاع مشروع را برای همان منظور به انجام می‌رساند. این هدف، مستلزم دمکراتیزه کردن ایران و برقراری روابط دمکراتیک و متحدانه با سایر خلق‌ها، نیروها و کشورهاست. در رأس مبارزات آن نیز آزادی زن و نجات محیط‌زیست را سرلوحه قرار داده و پدیده دموکراسی را هم در کانون روابط کردستانی، منطقه‌ای و جهانی جای می‌دهد.

دفاع مشروع: پژاک و نیروی گریلای آن، نیروی دفاع مشروع و خوددفاعی (دفاع ذاتی) خلق کرد هستند. نظام ایران هم یک نظام جنگ و ملیتاریسم (ارتش‌سالار) انحصارگر با هدف اعمال فشار و استثمار می‌باشد که بصورت جعلی یک ملت ارتش‌سالار ایجاد نموده. نظامی‌گری آن نیز گسترده‌ترین انحصار ثروت و قدرت است. سه‌گانه انحصارگری نظامی، اقتصادی و ایدئولوژیکی نهایتاً یک کل را علیه جامعه، اکولوژی و زن تشکیل می‌دهند و خلع سلاح می‌نمایند. خلقمان که با نسل‌کشی فرهنگی و گاه فیزیکی روبرو است، نیاز مبرم و طبیعی به اصل حیاتی دفاع مشروع دارد. این اصل آلترناتیو اصل جنگ در نظام سرمایه‌داری و دولت‌گرا می‌باشد که فاشیسم، حاکمیت آن را در چنگ دارد. دفاع مشروع صرفاً برای دفع تهاجمات دشمن نه بلکه اساساً جهت کسب حق خودمدیریتی دمکراتیک خلق می‌باشد که اگر نظام‌های حاکم بر کردستان از راه مذاکرات دمکراتیک آن را پذیرفتند، فی‌ها اگر نه توسل به دفاع مشروع آکتیو لاجرم می‌گردد. در شرایط کنونی ایران هر سازمانی اگر فاقد بعد دفاع مشروع آکتیو باشد، قادر



به حفاظت خویش در برابر اقدامات رژیم ملیتاریستی نخواهد بود. نیروی «یگان‌های شرق کردستان (ی.ر.ک)» در ساختار کودار جای گرفته است.

نوع پارادایم

پارادایم پژاک همانی است که از سوی رهبر آپو بصورت «جامعه دمکراتیک و اکولوژیک مبتنی بر آزادی زن» فرموله گشته. آزادی سه گانه «جامعه، زن و اکولوژی» سرفصل تمامی اندیشه‌ها و فعالیت‌های پارادایمی است زیرا این سه در شرف زوال به دست نظام سرمایه‌داری دولت-ملت‌ی و مرکزگرا می‌باشند. در اولویت عملکردها برای بساختن جامعه نیز مفهوم «دمکراسی» قرار دارد و ایدئولوژی به معضل و مانع مبدل گردانده نمی‌شود. در پارادایم فکری پژاک «جنسیت‌گرایی»، «ملی‌گرایی»، «علم‌گرایی پوزیتیویستی» و «دین‌گرایی» جایی نداشته و فرد نیز تنها در سایه‌ی «اتحاد فکر و ذکر و عمل» قادر به کسب شخصیتی حقیقی است که بتواند از طریق آن در راه «حقیقت» قرار گیرد. هدف این پارادایم برقراری مقوله‌ی «صحیح، نیک، زیبا و آزاد» در سطح شخصیت، فرد، جامعه و طبیعت و روابط انسانی و کیهانی است. پژاک معتقد است که «سوسیالیسم دمکراتیک» می‌تواند انسان را به انسانی‌ترین نقطه ممکن در روابط انسانی و روابط انسان-طبیعت برساند. با لحاظ جوانب فردی انسان، گرایش‌ات عامدانه و سیستماتیک «لیبرالیستی» را به باد انتقاد می‌گیرد. بجای گسست و شکاف، فرد و جامعه را درهم می‌آمیزد. تأکید می‌کند که راه رسیدن به سوسیالیسم نیز از مسیر دمکراسی می‌گذرد.

مسئله آزادی زن

بدون آزادی زن و رهایی زنان از چنگ نظام مردسالار جهان کنونی و بدون اعتقاد به این اندیشه آزادیخواهانه، هیچ حزبی در چارچوب‌های یک حزب اصیل و حقیقی جای نمی‌گیرد. پژاک حزب آزادی زنان است زیرا بدون آن، آزادی جامعه موهومی خواهد بود. در حق مدیریت و سهم شدن در سیاست و سایر حوزه‌ها، برابری کامل حقوق بصورت ۵۰ به ۵۰ را رعایت می‌نماید که فراتر از حدنصاب‌های قانونی جهانی است. جریان‌های جهانی فمینیستی اگر چه یک ارزش مبارزاتی تلقی می‌گردند، اما از حیث میانی فکری و شیوه عمل انقلابی و ساختار مبارزاتی با انتقاداتی سخت از جانب جنبش آپویی روبرو هستند. این انتقادات در راستای تعالی است و نه نفی و انکار. مفهوم جنسیت‌گرایی زن و یا مرد هر دو مردود هستند و به جای آن از مفهوم «آزادی‌زن» استفاده می‌شود. مناسبات مردسالارانه بصورت مخرب بر خود حوزه‌های جامعه و اکولوژی هم حاکم می‌باشد، بنابراین بدون آزادی زن، جهان مردها تغییر ذهنیتی به خود نخواهد دید و جامعه و اکولوژی هم آزاد نخواهند شد. پدیده آزادی زن تاکنون یک حلقه گمشده و یا بسیار ضعیف در ساختار احزاب کرد و جهانی بوده‌است؛ از این منظر، جنبش آپویی خاصه پژاک در سطح جهانی حرفها برای گفتن دارند.

دمکراسی: پس از تغییر ریشه‌ای پارادایم از جانب رهبر آپو که نتایج آن از سال ۱۹۹۹ به بعد در امرالی اعلام گردید، رهبری، «دمکراسی» را کانون همه مبارزات خود قرارداد و در درجه دوم «سیاست» را. تأکید کرد که اصولاً راه سوسیالیسم از دمکراسی می‌گذرد و این را اصل پارادایم خود قرارداد و بصورت پارادایم «تمدن دمکراتیک» در مقابل «تمدن مرکز‌گرای سرمایه‌داری» ارایه داد. دمکراسی و خودمدیریتی هرگز با پدیده‌های دولت، قدرت و سود جمع بسته نمی‌شوند. نباید مدل رهیافت دمکراتیک را شکل تحول یافته فرم‌های فدرال و کنفدرال دولت-ملت تک‌ساخت یا یونیتار تصور نمود.

ماهیت کنفدرالیسم و خودمدیریتی

کنفدرالیسم و کنفدراسیون به شیوه بنیادین یک نظام غیرمتمرکز است و تابع یک دولت مرکزی نیست و هیچ مرز جغرافیایی اجباری را نمی‌پذیرد. از «سیستم کنفدرالیسم» و «خودمدیریتی (بعنوان فرم سیاسی)» برای رسیدن به هدف اساسی یعنی «ملت دمکراتیک» استفاده می‌گردد. کنفدرالیسم به مثابه بدن و ملت دمکراتیک به مثابه روح است. کنفدرالیسم جایگزین دولت و دولت-ملت و خودمدیریتی جایگزین حکومت در تحول ساختارین محسوب می‌گردند. در این مدل ترجیح این است که همه احزاب سیاسی و سازمان‌های مدنی در خودمدیریتی دمکراتیک مشارکت نمایند.گردها از میان «دولت یونیترا»، «فدرالیسم متعارف جهانی» و «کنفدرالیسم» مورد سوم یعنی کنفدرالیسم را انتخاب می‌کنند و این مطلوب پژاک است. مقولات جنسیت‌گرایی زن‌ستیز و مردسالار، ملی‌گرایی، دولت‌گرایی، حکومت‌گرایی دستجات خاص، نژادپرستی و میهن‌پرستی ردمی‌گردد. دمکراسی و کنفدرالیسم، دولتی نیستند پس با جمهوریت متفاوتند. کنفدراسیون کرد بجز در زمینه دفاع خارجی و دفاع از مرزها و هماهنگی‌های اقتصادی و تجاری، در مابقی موارد بصورت درونی و مستقل به مدیریت و اداره جامعه خود خواهد پرداخت. کنفدره‌ها و کنفدراسیون از چندجزء تشکیل می‌شود که از کمون تا مجالس شهر و روستا و ایالات را دربرمی‌گیرد و یا میان دو یا چند کشور و قاره وضع می‌گردد. رابطه با دولت مرکزی صرفاً در حد ایجاد هماهنگی در کلان‌موضوعات می‌باشد. با حذف مرکز‌گرایی، به تمامیت ارضی یک کشور دست نمی‌زند و مقولاتی چون تجزیه‌طلبی را به مسئله مبدل نمی‌کند. بجای تقسیم قدرت و یا تصاحب آن، بطور کلی کانون‌های قدرت و انحصار قدرت را فرومی‌پاشاند. هم با دولت و هم با مفهوم مدیریت تمایز فاحش دارد. برخی احزاب و دول با استفاده از نظام‌های دولت-ملت و با ساختارهای جمهوری‌خواهی به حاکمیت چنگ می‌زنند، اما پژاک خودمدیریتی را بعنوان فرم سیاسی پذیرفته و بجای حاکمیت و حکومت، بکار می‌گیرد و جمهوری‌خواهی را سیستمی دولت‌گرا و بر ساخته ایدئولوژی‌های آن می‌داند که باید طالبان آن، آن را دمکراتیزه نمایند، ولی خود پژاک کنفدرالیسم و خودمدیریتی را برگزیده. جمهوری‌فرمی از دولت است و با دمکراسی اصیل فاصله‌های زیادی دارد. مفهوم جمهوری با دمکراسی یکسان نیست و همیشه و لاجرم دولت-ملت هم تلقی نمی‌گردد. جمهوری مبتنی بر نظام نمایندگی است که آن نیز در چنگ الیتهای خاص می‌باشد و از این حیث با کنفدرالیسم و خودمدیریتی در تضاد است، بنابراین در صورت دمکراتیزاسیون می‌تواند ابقا یابد. پژاک با پیشاهنگی خود در درون نظام و سیستم کودار همه برنامه‌ها و اهداف خود را بصورتی که بیان شد، عملی می‌سازد. تکثر مدیریتی را قبول دارد و تک‌حاکمیتی را بر نمی‌تابد. از نظر پژاک ایران می‌تواند اراده‌مندانه نظام فدرالیستی را برگزیند ولی کردها می‌توانند کنفدرالیسم را بناکنند. هر ملتی در ایران و شرق کردستان آزاد است کدام را انتخاب نماید ولی معیار مشترک، باید دمکراسی باشد اگر نه به تنازع و خصومت منجر خواهد شد. پژاک نه تجزیه‌طلب می‌باشد و نه درصدد برهم‌زدن تمامیت ارضی ایران است. همچنین مرزهای اجباری و جعلی دولت‌های حاکم را آنگونه که خود بصورت ضددمکراتیک تعریف و تعیین نموده‌اند، ردمی‌نماید و مرزهای کنفدرالیستی و ملت دمکراتیک را قبول دارد نه مرزهای اجباری و تحمیلی دولت-ملتی را. اینها با فدرالیسم تفاوت دارند. فدرالیسم دو جزئی تابع مرکز است؛ قدرت گرا، شبه‌دمکراتیک، الیت‌گرا، پراگماتیستی، مرکزگرا، دولت‌گرا، بروکراتیک، طبقاتی، جنسیت‌گرا، صنعت‌گرا، ملی‌گرا می‌باشد و به تعدد دولت‌های معضل‌ساز می‌انجامد.

ملت، ملت دمکراتیک و ابعاد نه گانه آن: پژاک تکوین ملت را با مقوله تشکیل دولت یکی نمی داند. ملت را رد نمی کند ولی بطور ریشه ای تغییر می دهد و ملت دمکراتیک را با معیارهای بسیار متفاوت جایگزین می سازد. ملت دولتی را نمی پذیرد. همچنین در برساخت ملت دمکراتیک هیچیک از معیارهای «ملیت، دین، پرچم، تاریخ، فرهنگ، زبان، مذهب، جغرافیا و هویت واحد یک ملت» را علی رغم ارزشمند دانستن آنها، دخالت نمی دهد و ملی گرایی را رد می نماید.

برنامه پژاک برای مذاکره با ایران: برنامه و رویکردهای استراتژیک پژاک در این زمینه شفاف است. مذاکره شفاف برای حل مسئله کُرد در اولویت رهیافت ها قرار دارد. چنانچه نظام حاکم ایران مذاکرات دمکراتیک را رد نمود، در آن صورت پژاک مطابق اصول کنفدرالیسم دمکراتیک به اجرای یک طرفه آن مبادرت خواهد ورزید و برای آزادی خلق کرد مبارزه می کند.

اتحاد ملی و اتحاد احزاب کرد: واضع اصلی کنگره دمکراتیک ملی کُرد برای اتحاد احزاب هر چهاربخش کردستان، رهبر آپو است. پژاک معتقد است که روابط احزاب کُرد بدون دخالت دادن ایدئولوژی بر مبنای قواعد دمکراتیک، رهیافتی اصولی می باشد. می توان شورای اجرایی مشترک، نیروی نظامی مشترک و ... را تشکیل داد.

اقتصاد: امروز نظام سرمایه داری و سلطه سرمایه جوامع را تسخیر نموده. از نظر رهبر آپو، «سرمایه داری»، «اقتصاد نیست، قدرت است. حتی خارج سازی اقتصاد از ماهیت خویش می باشد. کل تاریخ تمدن مرکزگرا و سرمایه داری، تاریخ «انحصارات» کلان است. اکونومیسم یا اقتصاد سیاسی سرمایه داری به مثابه یک علم جعلی ظاهر شده. دولت- ملت نیز ابزار قدرت لازمه جهت سلطه مدرنیته کاپیتالیستی بر اقتصادی است که بر تحقق بیشینه سود استوار می باشد. نوعی غارت اقتصادی است که ملی گرایی و میهن پرستی همچو جلای ظاهر آن می باشند. طبقه کارگر، سازش گر و شریک جرم است. پژاک اقتصاد کمونال را با صنعت اکولوژیک قبول دارد که بر اساس نیاز مبتنی است نه پول و کالا پرستی. سود پرستی، انحصارگری، مالکیت خصوصی زیانبار و روابط صرف کالایی و انحصار ارزش و نیروی کار انسان همه در اقتصاد کمونال ممنوع است. دیگر عصر سرمایه مالی پول پرستانه به سر آمده، در غیر این صورت جامعه خود را نابود خواهد ساخت. کمون ها بنیان نهادینه شده اقتصاد هستند.

حقوق: کارش، محدود کردن آزادی اندیشه و عمل جامعه می باشد. در نظام سرمایه داری، حقوق جایگزین اخلاق گردانده شده. باید با اخلاق و سیاست دمکراتیک مجددا در آمیخته شود.

اخلاق و سیاست دمکراتیک: هر آنچه بر زور متکی نباشد را می توان امر اخلاقی نامید. معیارهای اخلاقی را خود جامعه بر مبنای رفتار دمکراتیک تعیین می نماید. در صورت فقدان مفهوم اخلاق، نمی توان سیاست را دمکراتیزه نموده و بقای جامعه نیز تحقق نمی یابد.

مسئله محیط زیست: عامل تباهی محیط زیست، سرمایه داری سودجو و صنعت گرایی آن است که همه تباهی ها را از طریق پدیده دولت- ملت انجام می دهد و البت ها و دستجات ثروتمند و قدرتمند را در راس نظام آن قرار می دهد. همان دسته با بکارگیری صنعت، محیط زیست را برای خلق ثروت بیشتر به استثمار و نابودی می کشانند.